

در ضرورت برپا کردن کارزاری با هدف پایان دادن به برنامه‌ی هسته‌ای

محمدرضا نیکفر - وظیفه‌ی لحظه، پیشبرد کارزاری برای پایان دادن به برنامه‌ی از ابتدا نادرست هسته‌ای است، برنامه‌ای که کشور را فقرزده کرده و در معرض حمله‌ی نظامی قرار داده است. خواست مبرم: انجام همه‌پرسی درباره‌ی موضوعی که به هست و نیست کشور گره خورده است. • یادداشت برای یک سخنرانی.

۱۵ اسفند ۱۴۰۳

خطوط کلی وضعیت

تفکیک ایران و رژیم ولایي همواره درست نیست. این ایران است که در محاصره‌ی اقتصادی است، نه صرفاً گروه حاکم؛ و ایران ممکن است بمباران شود، نه صرفاً ملک شخصی آیت‌الله‌ها و سرداران. کشور در موقعیت خطیری قرار گرفته است، کشور، نه صرفاً رژیم.

توجه کنیم به اتفاقات‌های روزهای اخیر:

- حاصل معامله بر سر اوکراین، ممکن است انزوای بیشتر ایران باشد. روسیه، سرمست از پیروزی در جنگ با اوکراین، آنچنان به فکر امتیازهایی نیست که از دولت ایران می‌گیرد؛ ضمن اینکه پشتیبانی قابل ذکری از ایران در درگیری اسرائیل و آمریکا با آن نخواهد کرد، همچنان مطمئن است که می‌تواند از تهران امتیاز بگیرد.

- گزارش تازه رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به شورای حکام آژانس، هشدارآمیز و تمهید حقوقی فعال کردن "مکانیسم ماشه" است.

- تنش میان آنکارا و تهران بالا گرفته است. ترکیه، یک رکن قدرت‌مندتر شدن خود در منطقه را ضعیف‌تر شدن ایران می‌داند. عربستان هم چنین موضعی دارد.

- آمریکا سلاح‌های تازه‌ای را به اسرائیل تحویل داده که متخصصان می‌گویند به کار حمله به ایران می‌آیند.

- فشارهای تحریمی آمریکا تشدید می‌شوند. مدام بر فهرست مؤسسات تحریم‌شده ایرانی یا مربوط به صدور نفت از ایران افزوده می‌شود.

- در آستانه‌ی ورود دوباره‌ی ترامپ به کاخ سفید، در تهران این سخن شنیده می‌شد که راه مذاکره باز است. اما اکنون خامنه‌ای با صراحت آن را بسته و پزشک‌یان به حکم رهبرش گردن نهاده است.

- و این همه در حالی است که فقر و فلاکت در حال گسترش است.

- بحث‌ها بر سر تعیین حداقل دستمزد در سال تازه، همه حکایت از آن دارند که دولت همچنان به فکر زدن از سفره‌ی مردم تهی‌دست است.

- پیش‌بینی می‌شود که بهای نیازهای اصلی زندگی، به ویژه مواد غذایی و دارو و درمان، در سال آینده با شتاب بیشتری بالا رود.

- دلار به زودی از مرز ۱۰۰ هزار تومان گذر می کند و از هم اکنون صحبت از ۱۲۰ هزار تومان می شود.
- مقام های رسمی هم می گویند که سال آینده مشکل آب در برخی مناطق به حد جیره بندی خواهد رسید.
- پیش بینی می شود که مشکل برق و گاز جدی تر خواهد شد و زندگی مردم را بیشتر از امسال مختل خواهد کرد.
- و همچنین پیش بینی می شود که در سال آینده با موجی قوی از ورشکستگی بیشتر واحدهای تولیدی و خدماتی مواجه خواهیم شد.

تمرکز بر موقعیت هم اکنونی

- همتا فته ای از استبداد، ایدئولوژی حکومتی ناهمخوان با جهان معاصر، نظام امتیازوری، فساد و ناکارآمدی کشور را در این وضعیت دردناک قرار داده است.
- عامل های مختلف دست به دست هم داده اند و بحرانی ارگانیکی ایجاد کرده اند.
- از دیدگاهی تاریخی می توان سر این کلاف پیچیده را پیدا کرد. اما باید توجه کرد که منطق برخورد با چنین همتا فته ای، لزوماً در هر لحظه برخورد با سر رشته و علت العلل نیست.
- الزام لحظه ممکن است ضربه از پهلوی باشد، نه ضربه ی مستقیم.
- لازم است بر موقعیت هم اکنون متمرکز شد، موقعیتی که با دو خطر مشخص می شود: خطر جنگ و خطر افزون شدن فلاکت.

برخورد با دو مسئله ی فلاکت و جنگ

- "اپوزیسیون" راست گرای افراطی که به عنوان گروه فشار آمریکا و اسرائیل و پیشبرد جنگ روانی از جانب این ها عمل می کند، برداشتی مثبت از دو مسئله ی فلاکت و جنگ دارد. به آنها دل بسته است. فکر می کند آنها منجر به قیام و بازگشت سلطنت می شوند. فکر می کند هر چه فشار تحریمی بیشتر شود، هر چه مردم فقیرتر شوند، و هر چه خطر جنگ جدی تر شود و جنگی که درمی گیرد، گسترش بیشتری یابد، سرانجام کار پرثمرتر خواهد بود. چنین می نمایند که نتیجه به سود مردم ایران است.
- اما:

- اگر جنگی درگیرد به صورت بمباران مراکز هسته ای، یک فاجعه ی زیست محیطی به دنبال خواهد داشت. اگر جنگی درگیرد، حتا در حد یک بمباران کنترل شده، فضا در کشور به ضرر جنبش دموکراتیک تغییر خواهد کرد. رژیم چهره ی نظامی تری خواهد یافت، هارتر خواهد شد و فضا را بسته تر خواهد کرد. بر خلاف پنداشت جناح راست افراطی در اپوزیسیون که خود را مظهر ملی گرایی معرفی می کند، حمله به کشور به جای این که شورش مردم را برانگیزاند، احساسات ملی گرایانه را در میان آنان برمی افروزد. چنان می شود که آنانی که از میان سلطنت طلبان به آمریکا و اسرائیل برای حمله به ایران "گرا" می دهند، باید خود را از انظار عمومی دور نگه دارند.

جنگ توان جنبشی و اعتراضی مردم را کاهش می‌دهد، در برابر رژیم هارتر می‌شود و فضا را بسته‌تر می‌کند.

و در مورد تشدید فقر: با فلاکت بیشتر، مردم مأیوس‌تر می‌شوند؛ از همبستگی آنان کاسته می‌شود. ممکن است اینجا و آنجا شورش کنند، اما نخواهند توانست همبسته شوند، و به جنبشی پرتوان و امیدوار شکل دهند.

وظیفه‌ی لحظه

آن کاری کارستان است که مردم را از حالت درماندگی خارج کند، جهتی از مواجهه‌ی آنان با قدرت حاکم را تقویت کند که نه از سر استیصال، بلکه از سر حق‌خواهی و توانایی و همبستگی باشد. کاری کارستان است که پهنه‌ی امکان عمل را گسترش دهد.

در موقعیت کنونی، به شرحی که گذشت، باید به دو مسئله‌ی عمده‌ی فلاکت و جنگ پرداخت.

عامل بی‌میانجی پدیدآورنده‌ی این دو مسئله، برنامه‌ی هسته‌ای رژیم ولایی است.

مخالفان آزادی‌خواه و عدالت‌خواه رژیم در نقد و طرد این برنامه کوتاهی کرده‌اند. مرتکب غفلتی بزرگ شده‌اند که برای شناختن بهتر ضعف‌های خود لازم است به آن بپردازند.

این برنامه بنابر ادعاهای رسمی‌اش نیز غلط بوده است. در انتقادی سطحی می‌توان ادعاهای آغازین آن را در برابر دستاوردهای کنونی آن گذاشت. به هیچ کدام از وعده‌ها عمل نشده: تأمین انرژی، تأمین داروهای ویژه، گسترش تحقیق علمی و نظایر اینها.

رژیم در آن تضمینی برای بقای خود دیده بود. حتا این توقع اصلی و برانگیزاننده هم برآورده نمی‌شود. نتیجه آن شده که فشار بر رژیم بیشتر شود، در منطقه و در جهان. اگر برنامه‌ی غنی‌سازی اورانیوم شتاب گیرد، خطر بمباران قطعی می‌شود و فشارهای تحریمی هم طبعاً فزونی می‌گیرند. اگر وضعیت فعلی ادامه یابد، فشار تحریمی کاسته نمی‌شود و تا مهلت برجای اکتبر محتملاً فزونی خواهد گرفت. خطر حمله هوایی هم برجاست، از جمله بنابر آنچه کشاکش نیروهای در سطح جهانی و منطقه‌ای اقتضا کند. برنامه‌ی هسته‌ای رژیم بهانه‌ای پایدار برای اقدام نظامی علیه ایران به منظور از میان بردن تمرکز حواس بر موضوع‌های بین‌المللی دیگر است.

ممکن است ضمن امتناع رسمی رژیم ایران از مذاکره، گفت‌وگوهایی در پشت صحنه صورت گیرد. به نظر نمی‌رسد با رویکرد کنونی در تهران و واشنگتن و تل‌آویو، مذاکرات از هر نوعش ثمربخش باشند.

خواست توقف برنامه‌ی هسته‌ای

لازم است کارزاری برپا شود گرد این سه محور:

(۱) غنی‌سازی اورانیوم، فقیرسازی مردم است،

(۲) برنامه‌ی هسته‌ای، ایران را در خطر حمله‌ی نظامی قرار داده است،

(۳) برنامه‌ی هسته‌ای به هست و نیست کشور گره خورده است، پس باید درباره‌ی آن همه‌پرسی شود.

این کارزار، پرمایه، آگاهی‌بخش و با هدف‌گذاری‌ای درست است. تقابل با برنامه‌ای است که اساس آن ضد مردم و مصالح کشور است.

خواست انجام مذاکره، بدیل خواست پایان دادن به برنامه‌ی هسته‌ای نیست. مذاکره، سپردن اختیار به رژیم است، در حالی که کارزار توقف برنامه‌ی هسته‌ای گرفتن اختیار از آن است.

این کارزار می‌تواند شکاف راه‌گشایی ایجاد کند، می‌تواند حتا بخشی از مصلحت‌طلبان درون و حاشیه‌ی رژیم را با خود همراه کند.

این کارزار می‌تواند با آگاه‌گری همراه باشد، آگاه‌گری درباره‌ی یک برنامه‌ی رشد دموکراتیک به منظور حل مسئله‌ی انرژی، بالا بردن توان علمی، حفظ محیط زیست، و تقویت رویکردهای صلح‌آمیز در منطقه.

طبعا این کارزار با مخالفت شدید از سوی رژیم مواجه می‌شود. ناسیونالیسم "حق مسلم هسته‌ای" هم با آن مخالف‌خوانی می‌کند. مخالفت‌ها را می‌توان درهم شکست، با اتکا به تأکیدهای اساسی کارزار بر نادرستی برنامه‌ی هسته‌ای، توضیح انگیزه‌های رژیم برای پی گرفتن آن و پیامدهایی که برنامه برای کشور داشته است.

این کارزار می‌تواند همچنانکه گفته شد با خواست همه‌پرسی همراه شود. این خواست می‌توان گرد خود یک جبهه‌ی دموکراتیک گرد آورد و زمینه‌ای را ایجاد کند برای برداشتن گام‌های بعدی با هدف سلب اختیار از حکومت از سوی مردمی که می‌خواهند خود در مورد سرنوشت کشور تصمیم‌گیرنده باشند.